

قوم موسیقی شناسی

موسیقی



تار.

سه تار.

قانون.



سنتور.



کمانچه.



دف.



تمبک.



قوم‌موسیقی‌شناسی چرا مطالعه و پاسداشت فرهنگ بومی اهمیت دارد؟

یکی از شاخه‌های علمی موسیقی، شاخه‌ای است که به مطالعه‌ی موسیقی اقوام در بستر فرهنگی و اجتماعی همان اقوام اختصاص دارد. این رشته را قوم‌موسیقی‌شناسی می‌نامیم و به واسطه‌اش نکته‌هایی درباره‌ی جوامع انسانی درمی‌یابیم که به این آسانی‌ها و از منابع دیگری به دستمان نمی‌آید. یکی از فرضیات قوم‌موسیقی‌شناسان این است که موسیقی نوعی روند اجتماعی است و برای آن که معنای آن را درک کنیم، باید به زیست‌بوم و فرهنگ خلق آن موسیقی رجوع کنیم تا معنای آن را برای آفرینندگان و اجراکنندگان دریابیم.



قوم‌موسیقی شناسی چرا مطالعه و پاسداشت فرهنگ بومی اهمیت دارد؟

برای این‌که رشته‌ی قوم‌موسیقی‌شناسی به نتیجه‌های دقیق و سنجش‌پذیر برسد، لازم است تا از روش‌های رشته‌های دیگر کمک بگیرد و از همین رو می‌توان آن را رشته‌ای ساخته‌شده از چند رشته به شمار آوریم. دانشجو و پژوهش‌گری که در این وادی گام می‌گذارد، با موسیقی، انسان‌شناسی، فرهنگ عامه، مطالعات فرهنگی و رشته‌های دیگر سروکار دارد و از روش‌های مشخصی پی‌روی می‌کند.



قوم‌موسیقی شناسی چرا مطالعه و پاسداشت فرهنگ بومی اهمیت دارد؟

شاید بتوان گفت که قوم‌موسیقی‌شناسی نوعی ستیز با سلطه‌ی موسیقی کلاسیک بر جهان بود. تا اواخر سده‌ی نوزدهم، رشته‌ای به نام موسیقی‌شناسی یا موزیکولوژی در دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شد و تمام توجه موسیقی‌دانان بر تاریخ موسیقی غرب بود. یعنی شناختن موسیقی در شناختن موسیقی غربی خلاصه می‌شد و اصلاً اهمیتی هم به موسیقی اقوام و دیگر موسیقی‌های فولکلور یا محلی نمی‌دادند. در اواخر سده‌ی یادشده، دانشگاه‌های اروپایی به این نکته بیشتر توجه کردند و طرح‌هایی برای دسته‌بندی و شناخت موسیقی‌های اقوام به راه انداختند.



در ۱۸۸۵، پژوهش‌گری اتریشی به نام گوئیبدو آدلر رشته‌ای به نام موسیقی‌شناسی تأسیس کرد. او تصور می‌کرد که مطالعه‌ی تاریخ موسیقی هیچ ربطی به شناخت موسیقی‌های ملل به صورت تطبیقی ندارد و تاریخ موسیقی عملاً در تاریخ موسیقی غرب خلاصه شده است. به این ترتیب کار مطالعه بر موسیقی‌های غیر غربی و محلی آغاز شد. قوم‌موسیقی‌شناسان نخستین چنین تصور می‌کردند که موسیقی‌های محلی کمتر از موسیقی‌های کلاسیک غربی پیچیدگی دارد و این عملاً نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی بیشتر جوامع غربی است. یعنی می‌توان با تشخیص پیچیدگی و چندصدایی بودن موسیقی‌ها، به پیشرفتگی جوامع آنها پی برد.



یکی دیگر از موضوع‌های مورد پژوهش موسیقی شناسان دسته‌بندی سازها و دستگاه‌های موسیقایی بود. در ۱۹۱۴، کورت زاگس، موسیقی‌شناس برجسته‌ی آلمانی که از دوستان و مشاوران کارل ارف هم بود، نظامی برای دسته‌بندی سازهای پی‌ریزی کرد. او سازها را بر اساس قطعه‌ها و مواد طنین‌اندازشان از هم جدا کرد: هواصداها (که به واسطه‌ی جریان هوا به صدا درمی‌آیند؛ مثل فلوت)، زه‌صداها (که نوسان زه‌ها یا سیم‌هاشان سبب تولید صدا می‌شود؛ همانند ویولن و گیتار)؛ پوست‌صداها (که از نوسان پوست حیوانات یا مواد مصنوعی صداساز می‌شوند؛ همچون طبل‌ها)؛ و خودصداها (که تن خود سازها عامل تولید صداست؛ از جمله خاشاک یا کاخن).



این دسته‌بندی انقلابی در امر شناختن ساز بر پا کرد و اگر داستان تکامل سازهای ارف را بخوانید، درمی‌یابید که همین اندیشه‌ی به‌ظاهر ساده در دسته‌بندی سازها، عملاً زمینه‌ای شد تا کارل ارف بتواند سازهای امروزی را در ذهن مجسم کند و به این شکل در آورد.

این‌ها زمینه‌هایی بود برای شکل گرفتن ایده‌ی قوم‌موسیقی‌شناسی؛ تا میانه‌های دهه‌ی ۱۹۵۰، هنوز ایده‌ی موسیقی‌شناسی با قوم‌شناسی (در واقع همان مردم‌شناسی) آمیخته نشده بود، تا این‌که پژوهش‌گری هلندی از راه رسید و این دو رشته را با هم یکی کرد و اصطلاح قوم‌موسیقی‌شناسی را برای اشاره به یک رشته‌ی دانشگاهی به کار برد.



قوم‌موسیقی شناسی چرا مطالعه و پاسداشت فرهنگ بومی اهمیت دارد؟

از همان سال‌ها هم نشریه‌ی مشهور قوم‌موسیقی شناسی (اتنوموزکولوژی) آغاز شد و تا همین امروز هم ادامه دارد. پژوهش‌گران رشته‌ی تازه دیگر همانند موسیقی‌شناسان قبلی خیال نمی‌کردند که پیچیدگی یا سادگی موسیقی رابطه‌ای با پیچیدگی و پیشرفتگی اجتماعی دارد. اکنون موسیقی هر قوم به سان یکی از برون‌داده‌های آن قوم، همانند زبان و غذاهای مردم نگرینسته می‌شد.



قوم‌موسیقی‌شناسی چرا مطالعه و پاسداشت فرهنگ بومی اهمیت دارد؟

یکی از برجسته‌ترین پژوهش‌گران این حوزه، الن مریام، در ۱۹۶۴ کتاب نوشت به نام «انسان‌شناسی موسیقی» که هنوز هم یکی از مهم‌ترین متن‌های مرجع این رشته به شمار می‌رود و به مشتاقان این رشته توصیه می‌شود.

امروز دیگر این رشته به مطالعه‌ی موسیقی‌های اقوام و آثار دست‌نخورده‌ی فولکلور محدود نمی‌شود، بلکه موسیقی‌های عامه‌پسند و حتی ترانه‌های خیابانی نیز از موضوع‌های مورد پژوهش این رشته به شمار می‌آید.



قوم موسیقی شناسی چرا مطالعه و پاسداشت فرهنگ بومی اهمیت دارد؟

شاید از یک منظر بتوان آنتونین دوورژاک را یکی از پیشگامان این رشته دانست. دوورژاک آهنگساز سده ی نوزدهمی چک بود که با مطالعه ی موسیقی های اقوام هم میهن خود ملودی ها و ترانه های بسیاری از سرزمین مادری گرد هم آورد و این آثار را با هامونی ها و زبان موسیقی کلاسیک در آمیخت تا سبکی منحصر به فرد پدید آورد. امروز او را به آثار درخشانش به یاد داریم که ریشه در آوای موسیقی اقوام چک دارد.

